

## روند شکل‌گیری و دگرگونی ساختار کالبدی - فضایی شوشتر در عصر ساسانی و دوره‌ی انتقال از ساسانی به اسلامی

امین احمدی سیاهپوش<sup>۱</sup>، عباسعلی احمدی<sup>۲\*</sup>، میترا شاطری<sup>۳</sup>

### چکیده

شوشتر با داشتن محوطه‌های بسیار از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی همواره یک حوزه جغرافیایی با غنای فرهنگی بالا محسوب می‌شده است. در این میان مطالعه بافت تاریخی شهر شوشتر در بازسازی فرایند زندگی اجتماعی ساکنان گذشته، شناسایی شاخص‌های معماری دوران مختلف و بررسی روند توسعه شهر اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش حاضر<sup>۱</sup> در نبود امکان کاوش‌های هدفمند باستان‌شناختی، به شیوه توصیفی - تحلیلی با تکیه بر مستندات باستان‌شناختی و مطالعات کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به چگونگی شکل‌گیری، توسعه و تحولات شهری شوشتر در دوره ساسانی و دوران گذار از عصر ساسانیان به دوران اسلامی است. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش وجود آثار باستان‌شناختی از جمله تأسیساتی به‌منظور بهره‌برداری از آب کارون که عمدتاً به دوره ساسانی تعلق دارند، ضرورت ایجاد استقرارهایی را در این منطقه فراهم آورده است؛ از این‌رو احتمالاً شوشتر در اوایل دوره ساسانی متشکل از چند استقرار جدا از هم بوده که بعدها در نتیجه گسترش فضاها به صورت شهری مستقل ظهور یافته است. هسته اولیه شهر به علت شرایط مساعد زیستی، بدون نظارت نهاد حکومت شکل گرفته و بعدها با نظارت این نهاد از طریق مهاجرات افراد و گسترش زمینه‌های اقتصادی، توسعه یافته است. با ورود اسلام همانند روند حاکم بر ساختار شهری اکثر شهرهای ساسانی، ربض شهر در مقایسه با شارستان، اهمیت بیشتری می‌یابد؛ بر همین اساس مسجد جامع در خارج از هسته اولیه شهر در مکانی که ظرفیت لازم برای توسعه شهری نداشت، ساخته می‌شود و بازاری در امتداد مسیر مسجد تا دروازه شادروان شکل می‌گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** خوزستان، شوشتر، دوره ساسانی، تحولات شهری.

**ارجاع:** احمدی سیاهپوش ا.، احمدی ع. و شاطری م. ۱۳۹۹. روند شکل‌گیری و دگرگونی ساختار کالبدی - فضایی شوشتر در عصر ساسانی و دوره‌ی انتقال از ساسانی به اسلامی. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۵ (۱): ۱۳۳ - ۱۵۰.

۱- کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد.

۲- استادیار باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد.

\* نویسنده مسئول، [a.ahmadi@lit.sku.ac.ir](mailto:a.ahmadi@lit.sku.ac.ir)

۳- استادیار باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

## مقدمه

فولادی‌پور و ولی‌عرب، ۱۳۹۹ و تقی‌زاده، ۱۳۷۸؛ با این وجود چگونگی شکل‌گیری و روند تحولات شهری شوشتر از دوره ساسانی به اسلامی کمتر مورد توجه بوده و پژوهش‌پیش روی از نخستین نمونه‌های این دست محسوب می‌شود.

## روش تحقیق

پژوهش‌پیش‌رو به‌شیوه توصیفی-تحلیلی در دو مرحله مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی با رویکرد تطبیقی و تحلیل تاریخی انجام شده است. در گردآوری اطلاعات از انواع مکتوبات تاریخی، پژوهش‌های معاصر به‌همراه عکس‌های هوایی و پیمایش آثار سطحی موجود استفاده شده است. تحلیل یافته‌ها نیز با مقایسه تطبیقی بقایای باستان‌شناختی و معماری با عکس‌های هوایی منطقه و منابع تاریخی انجام شده است.

## جغرافیای طبیعی و پیشینه تاریخی

شهرستان شوشتر در استان خوزستان در ۳۲ درجه و ۲ دقیقه و ۳۰ ثانیه پهنای شمالی و ۴۸ درجه و ۵۱ دقیقه و ۱۵ ثانیه در ازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار گرفته است (جعفری، ۱۳۶۳: ۱۰). این شهرستان با ۲۴۳۳ کیلومتر مربع مساحت از شمال به شهرستان گتوند، از شمال غربی به شهرستان دزفول، از غرب به شهرستان شوش، از جنوب با شهرستان‌های باوی و اهواز و از شرق و جنوب شرقی به شهرستان‌های مسجدسلیمان و هفتگل محدود است. از نظر طبیعی دامنه‌ی پایانی کوه‌های زاگرس مرز شرقی آن و رودخانه دز، مرز غربی آن را تشکیل می‌دهد (ولی‌عرب و بحرانی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۳). از وسعت ۲۴۳۲۸۲ هکتاری عرصه‌ی شهرستان شوشتر ۷۹۴۵۵ هکتار (۳۳ درصد از کل عرصه)، جزء قلمرو مناطق کوهستانی و مابقی جزء قلمروی پهنه‌های دشتی-جلگه‌ای است؛ با این وجود بخش مرکزی که شامل شهر شوشتر است، در پهنه‌ی دشت-جلگه قرار گرفته است. شوشتر در پهنه‌بندی اقلیمی ایران در اقلیم نیمه‌حاره‌ای (نیمه‌بیابانی) و با تابستان گرم و خشک قرار دارد (نیکقدم، مفیدی شمیرانی و طاهباز، ۱۳۹۴: ۱۲۷). حمدالله مستوفی ویژگی آب‌وهوایی شوشتر را چنین بیان می‌کند: «هوایش به‌شدت گرم است و اکثر بهار و تابستان باد سموم وزد چنان که به شب نیز آید و بدین سبب بر بام‌ها نباید

یکی از فعالیت‌های علمی باستان‌شناسی می‌تواند مطالعه و تحلیل بافت‌های تاریخی و فضاهای زیستی به‌ویژه بافت‌هایی باشد که آثار و شواهد باستان‌شناختی در کنار منابع مکتوب نشان از توالی حیات در آن دارد. بافت تاریخی شوشتر واجد این شرایط است؛ زیرا با داشتن آثار شاخص و میراث گران‌بهایی از دوران تاریخی، قرون اولیه اسلامی تا عصر حاضر در بردارنده‌ی اطلاعات مفیدی از روند شکل‌یابی و توسعه شهری شوشتر است و نتایج به‌دست آمده از این پژوهش به‌عنوان نمونه‌ای از تحولات دوره ساسانی و دوره گذار ساسانی-اسلامی می‌تواند در ارائه دیدگاه در سایر بافت‌های شهری ایران مؤثر باشد. با این وجود تاکنون مطالعه هدفمندی در راستای تبیین چگونگی رشد و توسعه‌ی شهری شوشتر در دوره‌های مختلف صورت نپذیرفته و بر همین اساس پرسش‌های فراوان در خصوص چگونگی، دوره زمانی شکل‌گیری و ویژگی‌های ساختاری این شهر، به‌ویژه در ارتباط با دوره ساسانی و دوره انتقال از ساسانی به اسلامی بی‌پاسخ مانده است؛ از این رو در پژوهش‌پیش‌رو سعی بر آن است تا در نبود امکان کاوش‌های هدفمند باستان‌شناسی، با تکیه بر منابع در دسترس همچون مکتوبات تاریخی، آثار باستان‌شناختی موجود، نتایج بررسی‌های باستان‌شناسی و مطالعات دوره معاصر که در ارتباط با تجارب شهرسازی ایران پیش از اسلام و دوران اسلامی است، به پاسخ پرسش‌هایی همچون چگونگی شکل‌گیری، توسعه بافت تاریخی شوشتر در دوره تاریخی و روند تغییرات فضایی آن در قرون اولیه اسلامی، بپردازد.

## پیشینه پژوهش

علی‌رغم کثرت شهرهای تاریخی ایران، مطالعه بافت‌های تاریخی بسیار اندک و پراکنده و بیشتر در بر شهرهای بزرگی چون اصفهان، تهران، یزد، شیراز و مواردی از این دست تمرکز یافته‌اند. این نقیصه در خوزستان به‌دلیل تمرکز فعالیت‌های باستان‌شناسی بر دوره‌های پیش از تاریخ و تاریخی بیش‌تر خود را نشان می‌دهد؛ اگرچه مطالعات مرتبط با آثار تاریخی، پیشینه تاریخی و وضعیت شهری شوشتر از کثرت برخوردار بوده و توجه پژوهش-گران عرصه‌های گوناگون را به‌خود جلب کرده است (رهبر، ۱۳۷۴، ۱۳۸۸؛ کریمی و درخشانی، ۱۳۹۳؛ اسدپور،

دو حرف شین و آن به معنی زیبا و خوش آب‌وهواست و شوشتر صفت تفضیلی آن است؛ زیرا که پسوند (تر) صفت تفضیلی می‌سازد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۹). مطهر بن طاهر مقدسی نیز شوش را به معنای زیبا و شوشتر را زیباتر بیان می‌کند (مقدسی، ۱۳۷۴: ۶۱۶). قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس‌المومنین و علاء‌الملک شوشتری در کتاب فردوس در تاریخ شوشتر با استناد به کتاب معجم البلدان یاقوت حموی معتقدند بنا بر زیادتی خوبی و لطافت آب و هوا شوشتر را به این نام نامیده‌اند (حسینی شوشتری، ۱۳۷۷: ۱۱ و شوشتری، ۱۳۷۷: ۶۹). نویسنده تذکره شوشتر معتقد است که شهر شوش را هوشنگ پیشدادی بنیان نهاد و چون مردم از وضع شوش راضی بودند به آن شهر شوش؛ یعنی خوب گفتند و بعد از آن چون هوشنگ به محل شوشتر در کنار رود کارون رسید گفت که این محل از شوش بهتر است و به مهندسان دستور طراحی شهر شوشتر را داد (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۷۸). محمدحسن خان اعتمادالسلطنه نیز در کتاب همراه‌البلدان صفت تفضیلی (تر) را در نام شوشتر به نسبت نام شوش به معنی جدید و نو می‌داند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۶۸۴). عبدالرحمان عبادی در کتاب «خوزستان در نام‌واژه‌های آن» ضمن رد معرب دانستن نام تستر به دلیل وجود حرف (ش) در الفبا و زبان عرب معتقد است که در آغاز اسلام نیز (تستر) با همین نام زبانزد بوده است و جوالیقی (۵۴۰-۴۶۵ ه.ق) در کتاب المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم که به المعرب معروف است می‌نویسد که نام اصطخر و تستر که در شعر شعرای عرب چون فرزدق (وفات ۱۱۰ ه.ق) و جریر خطفی (تولد ۲۸ ه.ق) آمده است نام‌های عجمی هستند (عبادی، ۱۳۸۸: ۲۳۸)، همچنین وی با توجه به نوشته‌های جغرافی‌دانان متقدم راجع به ساخت شهرها در دوره ساسانیان به شکل اشیاء و موجودات گوناگون از جمله ساخت شوشتر به شکل اسب و با توجه به ارتباط اسب با شکل نماد ایزدبانوی آب (تستر) و ارتباطی که بین هزاروش پهلوی سوسی swsy که در تلفظ اسپ asp خوانده می‌شود، معتقد است که نام تستر برگرفته از ایزد آب آفرین (تیر) یا (تستر) است (همان: ۲۴۸-۲۴۴). امام شوشتری وجه تسمیه شهر را به خاطر وجود شش دروازه می‌داند و کلمه شوشتر را برگرفته از شش در احتمال داده است (امام شوشتری، ۱۳۳۱: ۱۱۴).

خفتن. از غایت گرما مردم غریب در آن دیار بعد از بهار اقامت نتوان کرد» (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۶۶). مهم‌ترین رودخانه‌ای که در این شهرستان در جریان است، رود کارون است که در شمال شرقی شوشتر توسط بند میزان به دو شاخه تقسیم می‌شود؛ شعبه‌ی گرگر در شمال شرقی شهر شوشتر از بند میزان گذشته و در داخل شهر تشکیل چندین آبشار می‌دهد، شعبه دیگر شطیط است که از شمال غربی شهر از سد معروف شادروان گذشته و به طرف جنوب غربی جریان دارد دو شعبه گرگر و شطیط در جنوب شوشتر در محلی به نام بند قیر مجدداً به هم ملحق می‌شوند (بدیعی، ۱۳۶۲: ۱۶۱ و ۱۶۰). زبان رایج در شوشتر لهجه شوشتری است که وجود هزاران کلمه پهلوی و اوستایی در زبان مردم شوشتر و دزفول (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۱۷۳) باعث گردیده است که پژوهش‌گران گویشی را که امروزه در شوشتر و دزفول رایج است، بازمانده زبان خوزی و یا لهجه‌ای از زبان فارسی دری بدانند که در آن لغات پارسی میانه (پهلوی) و فارسی اصیل فراموش شده دیده می‌شود (امام اهوازی، ۱۳۸۲: ۲۴۵؛ افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۱۷۴ و افشار سیستانی، ۱۳۷۳: ۶۵۲). ابن حوقل درباره گویش مردم خوزستان در کتاب سفرنامه خود آورده است: «زبان عامه مردم خوزستان فارسی و عربی است و جز این‌ها زبان دیگری به نام خوزی که نه عبرانی است نه سریانی و نه فارسی» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۶).

از نام‌های رایج شوشتر به‌ویژه در کتب نویسندگان و جغرافی‌دانان متقدم اسلامی تستر است (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۶۲؛ زهری، ۱۳۸۲: ۱۱۲؛ مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۶۵ و مقدسی، ۱۳۸۵: ۷۴). یاقوت حموی در کتاب معجم-البلدان از نقلی به نام زجاجی نقل می‌کند که شوشتر را به این دلیل تستر می‌نامند که تستر بن نون مردی از بنی‌عجل چون شهر را تصرف کرد به نام او این شهر را تستر نامیدند، سپس یاقوت با رد این نظریه بیان می‌کند که آن به چیزی نمی‌آرد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۹). قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس‌المومنین و علاء‌الملک شوشتری در کتاب فردوس در تاریخ شوشتر ضمن نقل قول این مطلب از کتاب معجم‌البلدان یاقوت حموی این روایت را بی‌ارزش و فاقد اعتبار دانسته‌اند (شوشتری، ۱۳۷۷: ۶۹ و حسینی شوشتری، ۱۳۷۸: ۱۱). روایت دیگر ارتباط آن با نام شوش است یاقوت حموی از حمزه اصفهانی نقل می‌کند که تستر معرب شوش است با

### منظر شهری و بافت تاریخی شوشتر

ساختار کلی شهر شوشتر امروزه شامل بافت قدیم، منطقه‌ی بلیتی و مناطق جدیدالاحداث شمال‌شرقی و حاشیه‌ی جنوبی شهر است. در این میان بافت تاریخی شهر در میان شاخه‌های رودخانه کارون همچون جزیره‌ای احاطه‌شده است؛ به گونه‌ای که رودخانه کارون در شمال در محل بند میزان به دو شاخه گرگر و شطیط تقسیم می‌شود. گرگر در شرق و شطیط در شمال و غرب شوشتر جریان می‌یابد و نهر داریون که از شطیط منشعب می‌شود نیز در غرب تا محل بند خاک کشیده شده و سپس نهر رقط از آن جدا و شهر را احاطه می‌کند (شکل ۱). بافت تاریخی شوشتر که بیشترین تمرکز را در عملکردهای اصلی و عناصر ساختاری دارد، بخش اصلی و عمده محدوده بخش مرکزی شهر را شامل می‌شود. محدود بافت قدیم از شمال به رودخانه کارون، از شرق به نهر گرگر از جنوب تا خیابان شهید رجایی و از غرب تا مسجد جامع است. این بافت از فضاهای گوناگونی همچون خانه‌های تاریخی، بازار، کاروان‌سرا، آب‌انبار، حمام، آسیاب

و مجموعه پراکنده‌ای از بناهای مذهبی مانند: مسجد جامع، مساجد محله‌ها، بقعه‌ها، حسینیه‌ها و امامزاده‌ها تشکیل شده است. در دوره معاصر با ورود شیوه‌های جدید در شهرسازی و ضرورت ایجاد شبکه‌های دسترسی، بافت قدیم شهر دستخوش گسستگی و نابسامانی گردیده و با احداث خیابان‌های جدیدالاحداث شرقی - غربی و شمال - جنوبی بافت اندام‌وار شوشتر از هم گسیخته و به ۹ قسمت تقسیم شد؛ بدین ترتیب تقسیمات محله‌ای دوران گذشته مفهوم خود را عملاً از دست داد. با این وجود بنا بر دلایل چندی در کماکان بافت کهن شوشتر از نمونه‌های ارزشمند و کمتر تغییر یافته بافت‌های شهری ایران محسوب می‌شود. از جمله این دلایل، یکی رکود شهر تا اواخر دهه‌ی ۵۰ شمسی و دوم احداث شوشتر نو و دیگری توسعه‌ی منطقه بلیتی در شمال شرقی بافت تاریخی شهر بوده است؛ از این رو امروزه آن چه از بافت کهن شوشتر باقی مانده است، علی‌رغم متحمل شدن تغییرات و تحولات فراوان، هنوز می‌توان رد پای عناصر و جزئیات سازنده بافت دیروز را در میان جلوه‌های امروز، مشاهده کرد.



شکل ۱- بافت قدیم شوشتر محصور در بین شاخه‌های رود کارون (نگارنده‌گان).

### عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهر شوشتر

شرایط محیطی - جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از دلایل مهم شکل‌گیری و توسعه شهرها است (پاپلی یزدی و رجیبی سناجرودی، ۱۳۸۲: ۶۸). رود کارون مهم‌ترین ویژگی زیست‌محیطی شوشتر، در شکل‌گیری و توسعه شهری آن نقشی بی‌بدیل داشته است؛ زیرا سهولت دسترسی به منابع آب مهم‌ترین عامل مکان‌یابی شهرها است که در مراحل بعد، ماندگاری زندگی شهری و امکان

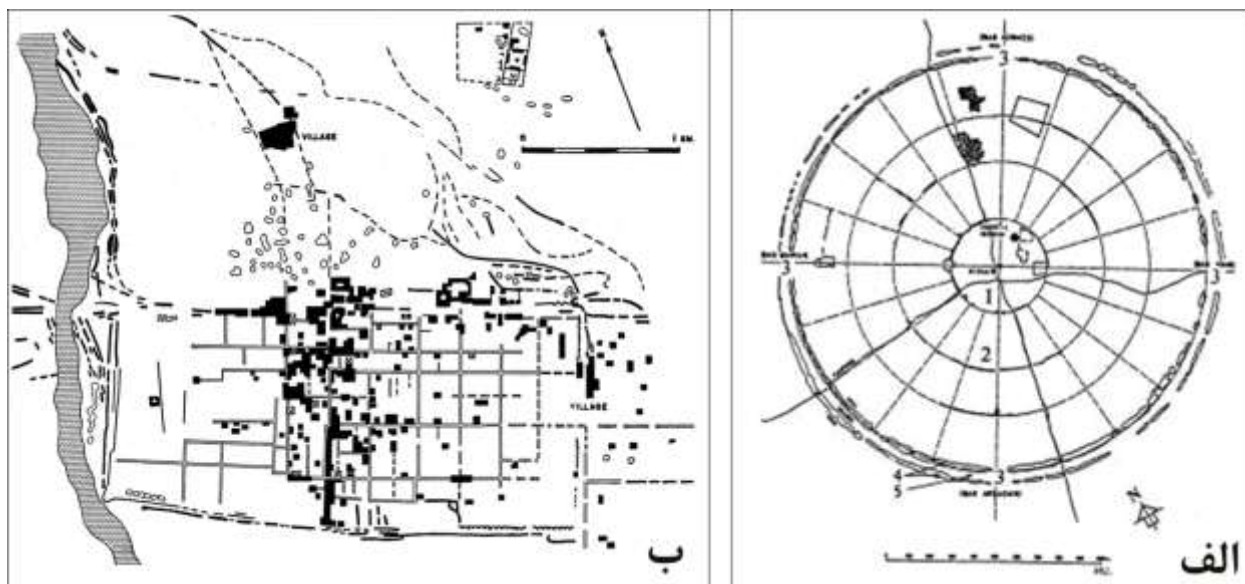
افزایش جمعیت را امکان‌پذیر می‌سازد (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۴۸). از سویی دیگر اهمیت بهره‌برداری از کارون در توسعه شهر، به دلیل نقش آن در گسترش صنعت، بازرگانی، معماری و شهرسازی است (نگهبان، ۱۳۸۵). اهمیت تأسیسات آبی شوشتر در حیات شهر به گونه‌ای است که نویسنده‌ی تذکره شوشتر ویران شدن قسمتی از آن را مقدمه‌ی ویرانی شهر دانسته است (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۱۴۱). از دیگر عواملی که زندگی شهری

را میسر می‌سازد، ماهیت اقتصادی شهر و نواحی اطراف آن است (Harris & Ullman, 1957: 23). در دوره ساسانیان خوزستان یکی از مهم‌ترین مراکز کشاورزی بود (شیپمان، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۵) و در اوایل دوران اسلامی تولید شکر خوزستان، تقریباً نیاز قسمت شرقی دنیای اسلام را برطرف می‌کرد (نگهبان، ۱۳۸۵: ۳۷۱). نساجی از دیگر زمینه‌های رونق اقتصاد شوشتر، با اسکان اسرای رومی مرتبط بوده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۸۶۳). در دوره اسلامی شوشتر از شهرهایی بود که سلطان در آن کارخانه‌های طراز داشت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۸ و اصطخری، ۱۳۴۰: ۹۲). مهاجرت به‌عنوان بارزترین عامل اجتماعی توسعه‌ی شهرها (حسین‌زاده دلیر و هوشیار، ۱۳۸۵: ۲۲۰)، در توسعه فیزیکی شوشتر دخالت داشته است از جمله در زمان شاپور اول ساسانی اسرای رومی در شهرهای خوزستان از جمله شوشتر اسکان داده شدند و احتمالاً بیشتر جمعیت ایوان کرخه، جندی‌شاپور و شوشتر از مهاجران تشکیل شده بود (ونکه، ۱۳۹۰: ۵۱۰). در قرن ۲ و ۳ هجری قمری نیز با ویران شدن دست‌آورد، گروهی از سکنه آن به شوشتر مهاجرت کردند (رهبر، ۱۳۸۳: ۱۰). در دوران تاریخی، ساخت و تأسیس شهر از وظایف پادشاهان و یا منوط به اجازه از آن‌ها بوده است (کریمیان و منتظر‌ظهوری، ۱۳۹۳: ۶۶ و هوف، ۱۳۶۶: ۷۶)، همچنین حکومت با دخالت بر رونق اقتصادی حاصل از آرامش و ثبات سیاسی و پدیده‌های اجتماعی چون مهاجرت، در میزان رشد و توسعه‌ی شهرها تأثیر می‌گذارد. در دوره ساسانیان سرمایه‌گذاری در زیربنای عمرانی و اسکان مهاجران و در دوران اسلامی مرکزیت و دارالملک بودن خوزستان (ابن خلدون، ۱۳۶۸: ۷۸۲؛ لسترنج، ۱۳۸۳: ۲۵۱-۲۵۳ و مستوفی، ۱۳۶۳: ۱۲۰)، از عوامل توسعه‌ی شوشتر بود.

### کلیاتی از ویژگی شهرسازی در دوره ساسانیان

در دوره ساسانی شهرها عمدتاً به دو شکل مدور و مستطیل یا هیپودام ساخته می‌شد (شکل ۲)، با این وجود ساخت شهرهای مستطیل و شطرنجی رایج‌تر بود (گیریشمن، ۱۳۷۸: ۳۸۶). در این شیوه، شهر شامل شبکه‌ای از معابر عمود بر هم بوده که به‌موازات دو خیابان

اصلی قرار داشتند. این شیوه‌ای است که هم منابع مکتوب تاریخی (ابن مهلب، ۱۳۷۸: ۵۲ و فضل‌الله، ۱۳۹۲: ۷۱۶) و هم بررسی‌های باستان‌شناسی (Adams, 1962: 12) چگونگی آن را تأیید کرده و در شهرهایی همچون جندی‌شاپور، ایوان کرخه (کریمیان، باغبان کوچک، ۱۳۹۰: ۱۴۳) و بیشاپور (سرافراز و تیموری، ۱۳۸۶: ۱۳) دیده می‌شود. در این دوره با توجه به اعتقاد آن‌ها بر چهار بخش بودن جهان، شهرها را طوری می‌ساختند که به‌سوی چهار سوی جهان گشوده باشند؛ به‌عنوان مثال اردشیر خوره یا فیروزآباد که با پلان مدور از سوی اردشیر بابکان بنیان نهاده شد، عبارت بود از یک شهرستان با چهار دروازه که رو به‌سمت چهار سمت عالم داشتند (هوف، ۱۳۶۶: ۷۷). در دوره ساسانی شهرها از سه بخش تشکیل می‌گردید: کهندژ که گاهی دیوار یا خندقی داشت. شهر که آن را شهرستان می‌نامیدند و دیواری گرد آن می‌کشیدند و بازار که خارج از دیوارهای شهرستان بود و آن را بیرون می‌گفتند، اعراب این بخش بیرونی را ربض می‌نامیدند (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۷). در شهرهای ایرانی عهد ساسانی، کهندژ با باروهای بلند، بخش نظامی و سیاسی شهر را تشکیل می‌داد (کریمیان و سیدین، ۱۳۸۹: ۷۹ و هوف، ۱۳۶۶: ۷۹). قسمت اساسی شهر در شهرستان بود که در کنار کهندژ قرار داشت، بازارها در درون دیوارهای شهرستان و گاه در بیرون آن بودند. چنان‌که پیشتر اشاره شد بیرون در دروان اسلامی ربض خوانده می‌شد و گاه دیوار دومی گرداگرد آن می‌کشیدند. کشتزارها در حاشیه شهرها جای داشت. در بازار و محله‌های شهر و روستاهای پیرامون شهر، چهار طبقه خراجگزار شامل بازرگانان، کسبه، پیشه‌وران و روستاییان زندگی می‌کردند (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۰). ایوان کرخه نمونه‌ای از شهرهای ساسانی است که به‌موازات کرخه در جهت شمالی-جنوبی گسترش یافته است، این شهر عظیم ساسانی که از سوی شاپور دوم احداث شد با یک حصار خشتی به ابعاد ۴ کیلومتر در ۱ کیلومتر محصور شده است و عرصه آن به-وسیله دو حصار شرقی-غرب به سه بخش شمالی، جنوبی و مرکزی تقسیم شده بود. این تقسیم‌بندی فضای داخلی امکان وجود نظام طبقاتی سکنه شهر را تقویت می‌کرد (کریمیان و باغبان کوچک، ۱۳۹۰: ۱۴۳).



شکل ۲- پلان رایج در شهرسازی ساسانی. الف- پلان شهر فیروزآباد (Karimian, 2003: 32). ب- پلان شهر جندی شاپور (Adams, 1962: 1388)

(12)

## بررسی و مطالعه چگونگی شکل‌گیری بافت شهری شوشتر

### الف. بررسی منابع مکتوب

تاریخ شوشتر با افسانه و اساطیر پیوند خورده است؛ از این رو برخی از مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان ساخت این شهر را به هوشنگ پیشدادی نسبت داده‌اند (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۷۸؛ مستوفی، ۱۳۷۸: ۱۶۵ و مقدسی، ۱۳۷۴: ۶۱۶). ابن فقیه در کتاب البلدان در مورد قدمت شوشتر از قول ابن المقفع آورده است: «اولین شهر بعد از طوفان نوح شهر شوش و شوشتر بودند» (ابن‌الفقیه، ۱۴۱۶: ۳۹۵). با این وجود بیشتر منابع مکتوب تاریخی بنیان شهر شوشتر را به‌ساخت تأسیسات بهره‌برداری آب در دوره ساسانیان نسبت می‌دهند. برخی از این منابع ساخت شهر شوشتر را به اردشیر بابکان بنیان‌گذار سلسله ساسانیان نسبت داده‌اند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۶۶ و مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۶۵). ابن بلخی در کتاب فارس‌نامه درباره اقدامات اردشیر بابکان آورده است: «آثار بسیار داشت و آب‌های خوزستان او قسمت کرد و رود مشرقان (مسرغان یا گرگر) او حفر کرد و در جهان عمارت‌های بسیار فرمود» (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۶۱). سید عبدالله جزایری در کتاب تذکره شوشتر معتقد به بازسازی شوشتر از سوی اردشیر بابکان بعد از ویرانی این شهر است «اردشیر بن بابک بن سامان بر ممالک استیلا یافت و ملوک طوایف را مقهور گردانید و همت به تجدید عمارت شوشتر گماشت و مردم را از

اطراف به آن‌جا کوچانید و امر نمود که خانه بسازند و در این باب تشدد بسیار نمود» (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۸۰). تعداد بیشتری از منابع تاریخی ساخت پل‌بند تاریخی شادروان را به‌دوره پادشاهی شاپور اول و توسط نیروی کار اسرای رومی نسبت می‌دهند؛ هرچند برخی از این منابع شکست رومیان و اسارت امپراتور والرینوس و ساخت این بنا را به اششوبه در زمان شاپور ذوالاکتاف می‌دانند (ابن‌بلخی، ۱۳۸۵: ۶۳). حمدالله مستوفی در کتاب نزهه القلوب در این‌باره آورده است: «شاپور ذوالاکتاف چون بر قیصر غلبه نمود، قیصر را ملتزم کرد تا بعد از تدارک خرابی که در این ملک کرده بود آب شوشتر را مثالسه گردانید و بر آن سدی عظیم بست و جوی دشت‌آباد (میانب امروزی) که مدار شوشتر بر آن است از آن بند جاری ساخت و در مسالک‌الممالک گوید: که از آن محکم‌تر بندی بر هیچ آب نیست‌اند» (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۶۵). فردوسی نیز در شاهنامه ساخت پل را از سوی اسرای رومی در عهد شاپور دانسته است (اقتداری، ۱۳۷۵: ۵۴۴).

### ب. بررسی شواهد و مطالعات باستان‌شناسی

اگر بر اساس مکتوبات تاریخی پذیرفته شود که برپایی شهر شوشتر در ارتباط با ساخت تأسیسات مهم آبی روی رودخانه کارون بوده است، آیا بررسی‌های باستان‌شناسی نیز صحت این مطالب را تأیید خواهد کرد؟ آن‌چه از

دوره انتقال آب از طریق احداث زیربناهای عمرانی اهمیت می‌یابد به‌گونه‌ای که در کتاب ماتیک هزارداستان، فصلی به آن اختصاص می‌یابد (پیکولوسگایا ۱۳۷۲: ۲۹۱). در دوره ساسانیان فعالیت عمرانی گسترده و چشم‌گیری به‌خصوص در ساختن پل‌ها، سدها و کانال‌های آبیاری در سرزمین‌های تحت تصرف از جمله خوزستان صورت می‌گیرد، از جمله ساخت تعدادی از تأسیسات آبی واقع بر رود کارون در شوشتر که از مهم‌ترین آن‌ها، پل‌بند شادروان است. مطالعات باستان‌شناسی نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاری وسیع ساسانیان در حوزه آب، تغییرات گسترده‌ای در زیست‌گاه و شیوه معیشت این ناحیه ایجاد کرده است. قنات‌های چندین کیلومتری، کانال‌های جدید بزرگ و سدهای عظیم، برای تقویت و توسعه کشاورزی و تأمین نیاز مراکز جدید شهری ساخته می‌شود. در این دوره، دشت شوشان محوطه‌ای با نظام شهرنشینی برنامه‌ریزی‌شده‌ای بود که سه شهر بزرگ جندی‌شاپور، ایوان کرخه و شوشتر در آن ساخته شد (جانسون، ۱۳۹۰: ۵۸۵). در این دوره شهرنشینی در دشت شوشان، ظاهراً به‌طور مستقیم بر کاهش تراکم‌های جمعیت روستایی و مهاجرت به شهرها اثر گذاشته است. این رخداد شاید به دلیل افزایش باروری زمین‌های کشاورزی، به‌دنبال سرمایه‌گذاری دولت ساسانی بوده است. بیشتر جمعیت ایوان کرخه، جندی‌شاپور و شوشتر احتمالاً از مهاجران وارد شده به شوشان تشکیل شده بود؛ با این وجود ممکن است که بسیاری از روستاییان و شهرک‌نشینان نیز به شهرها مهاجرت کرده باشند. در این روند مهاجرت احتمالاً پیدایش صنعت مهم پارچه و ابریشم در شوشتر و شاید در جندی‌شاپور تأثیرگذار بوده است (ونکه، ۱۳۹۰: ۵۱۰)؛ چنان‌که آدامز به الگوی مشابهی در ناحیه دیاله در دوره ساسانی، اشاره کرده است (همان)، بنابراین اقدامات عمرانی صورت گرفته و همچنین سیاست دولت ساسانی در اسکان مهاجران در خوزستان، بر سیمای جمعیتی و اقتصادی استقرارهای ساسانی خوزستان تأثیر گذاشت به‌گونه‌ای که بسیاری از منابع مکتوب تاریخی اسکان مهاجران و اسرای رومی را یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش نساجی در خوزستان شمرده‌اند.

آرتور پوپ با بررسی شیوه بافت منسوجات منسوب به شوشتر با منسوجات بافته شده در انطاکیه این رویداد را به ۵۰۳ میلادی، مصادف با دوره‌ای بعد از فتح انطاکیه از

مطالعات باستان‌شناسی در خوزستان به‌دست می‌آید نشان از آن دارد که در دوره پارت‌ها و ساسانیان در خوزستان آبیاری اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا دست کم در هزاره‌ی دوم ق.م آب رودخانه‌های اصلی خوزستان به‌تدریج فرو می‌نشینند و در دوره پارت و ساسانی به سطح امروزی می‌رسد (ونکه، ۱۳۹۰: ۵۰۳-۵۰۲). گزارش‌های این دوره نشان از تلاش حکومت در حفر آبراهه‌ها دارد؛ از جمله استرابو و دیودوروس در دوره سلوکی-پارتی (۳۲۴-۲۵ ق.م)، از حفر کانال‌های آبیاری در دشت شوشان یاد کرده‌اند (همان: ۵۰۵). احتمالاً این اقدامات باعث گسترش کشاورزی و شرایط مساعد زیستی شده است؛ زیرا که به‌نظر می‌رسد در دوره اشکانیان جمعیت دشت شوشان به بالاترین میزان رسیده باشد (بوشارلا، ۱۳۹۲، ۲۳۲ و جانسون، ۱۳۹۰: ۵۸۵).

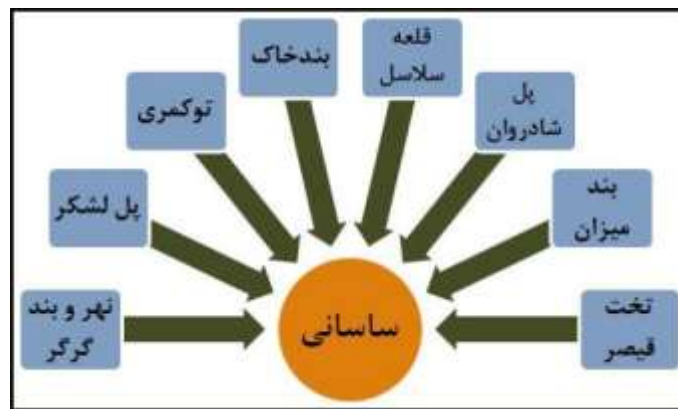
عباس مقدم و همکارانش در بررسی باستان‌شناسی دشت میاناب که شهر شوشتر در شمالی‌ترین قسمت آن واقع است، ایجاد شبکه‌های آبیاری در این منطقه را به‌دوره اشکانی و در نتیجه مواردی همچون پراکندگی استقرارها، نحوه پراکندگی و تغییر در الگوی مکان‌گزینی در یک‌سوم شمالی دشت دانسته‌اند؛ چنان‌چه به نسبت دوره هخامنشی که تنها سه تپه در این بخش وجود داشته است، به یک‌باره تعداد محوطه‌های این بخش به ۳۱ تپه رسیده است. مطالعات محیطی و عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای، از وجود کانال عظیم آبیاری در این بخش از دشت حکایت می‌کند به‌گونه‌ای که ارتباط نزدیکی بین شبکه آبیاری باستانی و محوطه دستوا دیده می‌شود و محوطه دستوا با داشتن هشت پشته عظیم در بخش شمالی دشت، تقریباً مهم‌ترین محوطه اشکانی دشت میاناب محسوب می‌گردد (مقدم، ۱۳۸۴: ۴۳۸-۴۲۶). از این‌رو به نظر می‌رسد ساخت حداقل بخشی از سازه‌های آبی شوشتر از جمله نهر داریون در قبل از حکومت ساسانیان به انجام رسیده باشد. در زمانی که محوطه دستوا در سه کیلومتری جنوب شرقی شوشتر، مهم‌ترین مکان استقرار حکومت محلی الیمائیان بود، حکومتی که در حدود سال ۴۵ قبل از میلاد، جانشین قدرت مستقیم پارت‌ها در شوش شده بود (جانسون، ۱۳۹۰: ۵۸۴).

وجود رودخانه‌ها، آبراهه‌ها و همچنین بندها و سدها؛ خوزستان را به یکی از مهم‌ترین مراکز کشاورزی در دوره ساسانیان تبدیل کرد (شیپمان، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۵). در این

متعلق به دوره ساسانی و صدر اسلام معرفی شده است (میر فتاح، ۱۳۵۵: ۶۸-۶۷).

در سال ۱۳۸۴ هجری شمسی نیز حسین درخشی، قلعه سلاسل را به‌منظور لایه‌نگاری باستان‌شناختی مورد گمانه‌زنی قرار داده و آن را محوطه‌ای ساسانی تشخیص داد (حاتمی، ۱۳۸۹: ۳)؛ علاوه بر شواهد به‌دست‌آمده از بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی؛ بناهای ساسانی متعددی که بیشتر شامل تأسیسات بهره‌برداری از آب کارون در شوشتر به ثبت آثار ملی ایران رسیده است (شکل ۳).

سوی قباد اول، نسبت داده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۸۶۳)، با این وجود شواهد دیگری نیز وجود دارد که از شوشتر به‌عنوان یکی از شهرهای خوزستان در دوره ساسانی یاد شده است. دانیل پاتس در کتاب باستان‌شناسی ایلام ضمن اشاره به اسقف‌نشین بودن شوشتر در دوران ساسانی و قرون اوایل اسلامی، فهرستی از اسامی اسقف‌های مستقر در شوشتر را آورده است (پاتس، ۱۳۹۱: ۶۵۷-۶۴۲). در این زمان اداره امور کلیسای شوشتر از طرف اسقف‌نشین جندی شاپور اداره می‌شد (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۶۶ و ۶۵). در معدود لایه‌نگاری‌های باستان‌شناختی که در بافت کهن شهری شوشتر انجام شده، قلعه سلاسل به‌عنوان اثری



شکل ۳- تعدادی از آثار ساسانی شوشتر

جندی شاپور نامیده شد، این شیوه به‌کار رفته است. با این وجود مطالعه بافت شهری شوشتر نشان از رشد اندام‌وار آن دارد و هیچ‌گونه شواهدی وجود ندارد که نشان دهد که شهر بر اساس طرح از پیش طراحی‌شده‌ای ساخته شده است (فرید، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

حتی شکل شهر شوشتر از نظر فرارگیری اجزای شهری، منطبق با ویژگی شهرسازی دوره ساسانی نیست؛ زیرا که قلعه ساسانی سلاسل (رهبر و میرفتاح، ۱۳۵۵) فاقد ویژگی‌هایی است که آن را بتوان کهن‌دژ شوشتر به حساب آورد. همان‌گونه که در بیان ویژگی‌های شهرسازی ساسانی اشاره شد، شهرهای ساسانی در اطراف و یا کنار هسته‌ی حکومتی و به اصطلاح ارگ شهر تشکیل و به تدریج رشد می‌کردند، اما با توجه به مواردی همچون منابع مکتوب تاریخی (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۹۹؛ شوشتری، ۱۳۶۳: ۶۰ و شوشتری، ۱۳۷۷: ۷۲)، نقشه‌ی ترسیمی نظامیان روس در سال ۱۸۵۰ میلادی و تصاویر هوایی چند دهه

### شکل‌گیری و کالبد شهری شوشتر در عصر ساسانی

اگر پذیرفته شود که شکل‌گیری بافت شهری شوشتر در ارتباط با ساخت تأسیسات آبی بوده است، هسته‌ی اولیه شوشتر در چه دوره‌ای شکل گرفته است؟ همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد در دوره اشکانی محوطه عظیم دستوا در سه کیلومتری جنوب‌شرقی بافت شهری امروز شوشتر به‌عنوان مهم‌ترین محوطه اشکانی دشت میان‌آب بود که بنا بر اظهار نظر سرپرست کاوش‌های دستوا، این مکان یکی از مراکز حکومتی پادشاهان محلی الیمایی در خوزستان بوده است (رهبر، ۱۳۷۳: ۲ و سرافراز، ۱۳۴۸)؛ از این‌رو به نظر می‌رسد که با وجود شهر دستوا، پتانسیل لازم برای شکل‌گیری مرکز شهری دیگری با این فاصله اندک وجود نداشته باشد، همچنین در شهرهای ساخته‌شده در عهد ساسانی در خوزستان، از شیوه رایج شهرسازی در دوره ساسانی همچون طرح‌های هیپوداموس بهره‌گرفته شده است؛ حتی در بازسازی شهر قدیمی بیت لاپات که بعدها



قبل، قلعه سلاسل خارج از بافت شهر قرار داشته و اطراف آن را زمین‌های زراعی و بایر احاطه می‌کرده است.

میر عبدالطیف شوشتری در این مورد چنین نوشته است: «آن بر یک قطعه کوه است بر ضلع جنوبی شهر و در اطراف آن صحرای خالی بسیار گذاشته اند که در وقت محاصره مردمان دیهات قریبه با مواشی و حیوانات خود توانند ماند و در سه ضلع قلعه رود مافاریان به منزله‌ی خندق است و در ضلع دیگر خندقی بسیار عریض و عمیق دارد» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۶۰) از این‌رو سلاسل را باید بیشتر در ردیف دژهای نگهبانی و نظامی در نظر گرفت، اما این دلایل نمی‌تواند دلیلی بر رد ساسانی بودن هسته‌ی اولیه شوشتر باشد، چون بدون شک وجود تأسیسات مهم آبی در شوشتر ضرورت ایجاد استقرارهایی را در این منطقه به وجود آورده است؛ از این‌رو این استدلال نیز قابل دفاع است که در شهر شوشتر به دلیل محدودیت دسترسی به عرصه‌ی لازم برای گسترش شهر به دلیل محصور شدن بین شاخه‌های رود کارون و استفاده مکرر از فضا‌های شهری در ادوار مختلف، شکل و پلان اولیه‌ی شهر دستخوش ناهم‌گونی شده باشد. یا این که کلیات شهرسازی دوره ساسانی درباره شهر ساسانی شوشتر چنان که در مورد شهر سلطنتی بیشاپور نیز دیده می‌شود، صدق نمی‌کرده است؛ زیرا در شهر بیشاپور نیز ارگ حکومتی در شمال شرقی شهر و در بلندی دامنه‌ی کوه شاپور، شکل گرفته و به وسیله‌ی حصار از قسمت اصلی شهر تفکیک شده است. دیگر نواحی مسکونی این شهر به فرم مستطیل، در غرب ارگ حکومتی و در امتداد شیب بستر شهر واقع شده‌اند (سرافراز و تیموری، ۱۳۸۶: ۱۳).

نظریه‌ی دیگر می‌تواند این باشد که شوشتر در دوره ساسانی ابتدا متشکل از چند استقرار جدا از هم بوده است که بعدها تحت تأثیر عواملی چون گسترش مهاجرت، رشد اقتصادی و صنعتی منطقه، با مرکزیت یکی از این استقرارها به صورت شهری مستقل ظهور یافته باشد. از برپایی شهر به این شیوه در تاریخ شهرسازی ایران نمونه‌هایی در دست است، چنان که به گفته‌ی نویسنده کتاب تاریخ قم، شهر اسلامی قم از تجمع شش دیه پدید آمده است و پس از مدتی که اراضی این دهات زیر پوشش ساختمان‌ها رفت، به وسیله‌ی بارویی نسبتاً مستدیر محصور گردید (سعیدی‌نیا، ۱۳۶۶: ۱۴۹). شواهد این امر می‌تواند منطقه‌ی بلیتی در حاشیه‌ی شرقی رود گرگر و صحرای

بلبل در نزدیکی آن در مجاورت پل کشتارگاه باشد. مکان‌هایی که با توجه به تمرکز شواهد باستان‌شناسی موجود، از استقرارهای ساسانی شوشتر محسوب می‌شوند. سید عبدالله جزایری در تذکره شوشتر در این‌باره آورده است: «و در صحرای گرگر ایضاً بقاع بسیار است و آثار عمارات قدیمه الی جبال کرای و بعضی آثار ملوکانه اند و غالباً رود دودانگه دره ای بود در وسط شهر، ممر سیل و به مرور ایام به این طرف نقل کرده باشند و آن طرف خراب شده باشد و الحال موضعی است که سر گنج گویند که در روزگار پیشین شخصی محمود نام در آن جا گنجی یافته بود و آن افسانه بین مردم مشهور است و در عهد حکومت آخر عبدالله خان ایضاً دفینه‌ای در کنار رودخانه یافت شده بود و سکه آن‌ها خط کوفی بود به اسم المقتدر بالله عباسی» (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

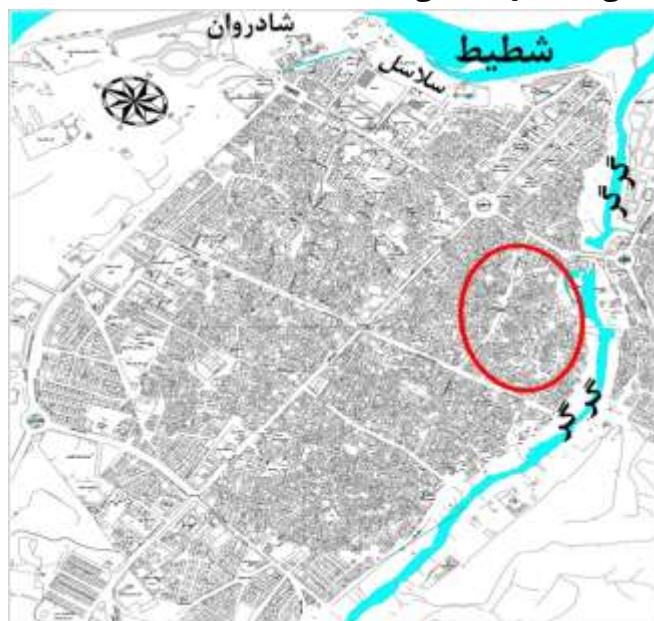
سر هنری راولینسون نیز در بازدید از شوشتر درباره این منطقه چنین نوشته است: «در مشرق پل ناحیه‌ای است به نام بلیتی که ظاهراً حومه شهر باستانی شوشتر بوده و در واقع ضمن چند سال گذشته رو به ویرانی نهاده است. من بر این پندارم که شهر شوشتر آن چنان که گفته می‌شود هرگز در غرب کارون توسعه نیافته است» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۹۸). هر چند ممکن است هسته‌ی اولیه شهر شوشتر به علت شرایط مساعد زیستی منطقه، بدون دخالت نهاد حکومت شکل گرفته و بعدها با دخالت نهاد حکومت از طریق مهاجرات افراد و گسترش زمینه‌های اقتصادی با احداث سازه‌های مهم آبی توسعه یافته باشد، با این وجود بر اساس منابع مکتوب تاریخی که به موضوع تصرف شهر از سوی مسلمانان پرداخته‌اند، در این زمان شوشتر شهری مستقل با دیوارهای دفاعی معرفی گردیده است (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۵۴۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۳۹؛ بلعمی، ۱۳۷۳: ۴۹۱، مقدسی، ۱۳۷۴: ۵۴ و مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۸۰).

متون جغرافیایی کهن شکل شهر شوشتر را به اسب تشبیه کرده‌اند (ابن مهلب، ۱۳۱۸: ۶۴ و مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۶۵)، اما فارغ از افسانه‌ها؛ اگرچه تعیین شکل کالبدی و هسته اولیه شهر در زمان شکل‌گیری در غیاب کاوش‌های هدفمند باستان‌شناسی، بسیار مشکل است، با این وجود برای تعیین مکان هسته اولیه شهر دلایلی در دست است از جمله از منظر ریخت‌شناسی، چنان که به‌طور معمول در شهرهایی با ساخت اندام‌وار همچون شوشتر، بخش‌های قدیمی و بخش‌های تجاری شهر دارای شبکه دسترسی

بافتی پیچیده و درهم‌تنیده داده باشد. چنین خصوصیتی در مناطق مذکور واقع در حاشیه رود گرگر، به‌طور آشکاری قابل مشاهده است؛ چرا که پرتگاه‌های حاشیه رود گرگر اجازه نفوذ به شهر را نمی‌دهد، همچنین شیب و ارتفاع زمین، این منطقه را از دیگر مناطق بافت قدیم متمایز می‌کند. از دیگر مزیت‌های حاشیه شرقی بافت قدیم، دسترسی آسان به رود گرگر است که به سهولت نیاز ساکنان را برآورده می‌کرده است؛ چنان‌که نویسنده تذکره شوشتر نام محله گرگر را برگرفته از وسیله‌ای می‌داند که ساکنان از رود گرگر آب برداشت می‌کرده‌اند (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۹۹)؛ از این رو حاشیه شرقی بافت قدیم، مناسب‌ترین مکان برای شکل‌گیری هسته‌ی اولیه شهر بوده است (شکل ۴).

متراکم‌تری هستند؛ به عبارت دیگر بخش‌های قدیمی دارای بلوک‌هایی خردتر با ابعاد کوچک‌تر است و در عوض در حاشیه‌های جدیدتر، ابعاد بلوک‌های شهری بزرگ‌تر می‌شوند. در مدل محوری خام شوشتر، هلالی در شرق و در حاشیه رودخانه گرگر تقریباً روی محلات گرگر، عبدالله بانو و مقام عباس دارای تراکم بیشتری نسبت به بخش‌های دیگر شهر است و با توجه به بافت شهری به‌خصوص در نقشه‌ها و عکس‌های هوایی قدیمی، به احتمال زیاد بخش کهن شهر را شامل می‌شود (مسعودی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۹۰-۸۹).

از عوامل مکان‌یابی شهرهای تاریخی توجه به عوامل دفاعی با استفاده از عوامل طبیعی یا دفاع غیرعامل است. به‌نظر می‌رسد هسته‌ی قدیمی شهر شوشتر باید در جایی شکل گرفته باشد که به شهر حالتی شبیه دژی نظامی با



شکل ۴- محدوده پیشنهادی هسته‌ی اولیه شوشتر (نگارنده‌گان)



شکل ۵- موقعیت قلعه سلاسل نسبت به بافت شهری شوشتر روی عکس هوایی ۱۹۳۵ میلادی

## ویژگی شهرسازی در دوره انتقال از عصر ساسانی به دوران اسلامی

قرون نخستین اسلامی دوره‌ای است که سنت معماری و شهرسازی اسلامی تحت نفوذ شهرسازی قبل از اسلام به‌ویژه دوره ساسانی شکل گرفت (کیانی، ۱۳۷۳: ۳۶۰). با گسترش قلمرو مسلمانان به خارج از شبه جزیره عربستان و تشکیل امپراتوری مسلمانان، دو نوع شهر در این قلمرو وجود داشت: شهرهای قدیمی که رنگ و بوی اسلامی گرفتند و شهرهای جدید که در این دوره بنیان‌گذاری شدند (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۴). شهرهای قدیمی بی‌آن که متحمل دگرگونی‌های عمده کالبدی-فضایی گردند با ایجاد عناصر جدید و با جایگزینی آن‌ها با عناصری چون مسجد جامع یا جابجایی جامعه شهری به‌شکل جدید سازماندهی می‌شدند. این شهرها با گسترش خود از حدود شارستان خارج شده و با گسترش خود در ربض از سیاست گسترش خودبخودی تبعیت کردند (حبیبی، ۱۳۸۶: ۵۰). این رشد و گسترش اندام وار به دلیل کم‌رنگ شدن نقش بخش کهن‌دژ در شهرها بود؛ چرا که این بخش در شهرهای دوره ساسانی نقش انتظام‌دهنده‌ی عناصر شهرسازی را بر عهده داشته و سایر عناصر شهری پیرامون آن شکل گرفته بودند (خالدیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴). افول و کاهش اهمیت شارستان و رشد ربض و بازسازی آن و یا اهمیت بخشیدن به ربض مهم‌ترین سیاستی بود که دوران اسلامی در دوران متقدم از آن پیروی کردند. در دوره رشد شهرها بسیار اتفاق می‌افتاد که ربض اهمیت می‌یافت و بازار و جامع و در مواردی چند دارالحکومه هم در آن بنا می‌شد و گاه شهرستان رو به ویرانی می‌رفت (نظریان، ۱۳۸۹: ۸۹). این وقایع در شهرهای ری (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۷۰)، داربگرد (کریمیان؛ سیدین، ۱۳۸۹: ۸۴)، شوش (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۰۹)، بیشاپور (سرافراز، ۱۳۶۶: ۵۶) و شهر اسلامی استخر نیز دیده می‌شود (Whitcomb 2003). (92: 2004) دسته دیگر شهرهای نوین‌یاد بودند که عمدتاً یا پایگاه‌های نظامی بودند و یا برای از رونق انداختن شهرهای قدیمی ساخته می‌شدند، که از نمونه‌های آن شهر عسکر مکر در خوزستان است (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۶۱ و بلاذری، ۱۳۶۷: ۵۳-۵۳۴).

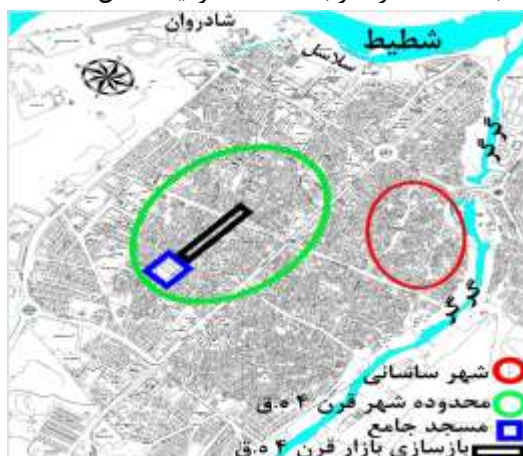
## توسعه شوشتر در دوره انتقالی و سده‌های نخستین اسلامی

از وضعیت بافت شهری شوشتر، در سده‌ی اول و دوم هجری قمری اطلاعی در دست نیست و تنها در منابع مکتوب تاریخی گزارش‌هایی در دسترس است که در آن‌ها به شرح برخی از حوادث تاریخی رخ داده در شوشتر پرداخته شده است، اما در سده‌ی سوم هجری قمری شوشتر به‌چنان جایگاهی دست یافته است که مسجد جامع در آن ساخته می‌شود و در سده‌های بعد به‌عنوان یکی از کوره‌های هفتگانه خوزستان در منابع جغرافیایی-تاریخی یاد می‌شود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۴؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۳۶؛ ابن رسته، ۱۴۲۵: ۱۸۸؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۸۸-۹۰؛ کاتب بغدادی، ۱۳۷۰: ۱۳۶ و مقدسی، ۱۳۷۴: ۶۰۳). مسجد جامع شوشتر که در جنوب غربی بافت کهن شوشتر و در محله دکان سید یا مسجد جامع قرار دارد از مساجد قدیمی ایران است که به استناد منابع تاریخی در دوره عباسی ساخته شده است. ساخت مسجد در زمان خلافت خلیفه سیزدهم عباسی محمد ابن جعفر متوکل در سال ۲۵۴ ه.ق آغاز گردید، ولی به پایان نرسید و در دوره خلیفه بیست و پنجم القادر با الله احمد المقتدر و خلیفه بیست و هفتم المقتدر به امرالله ابوالقاسم ابن عبدالله روند ساخت مسجد ادامه یافت، اما اقدامات ساخت مسجد به سرانجام نرسید تا در نهایت در زمان خلیفه بیست‌ونهم المسترشد بالله در سال ۴۴۵ ه.ق ساخت مسجد به پایان می‌رسد (جزایری شوشتری ۱۳۸۸: ۸۹). اهمیت ساخت این مسجد در این است که در زمان ساخت بنا، احداث مساجد جمعه از وجه تمایز انواع سکونت‌گاه‌ها به حساب می‌آمد و مساجد جامع در شهرهایی ساخته می‌شد که سکونت‌گاه به مقام شهر ارتقا می‌یافت؛ برای نمونه شهر قم در سال ۱۸۵ هجری قمری از اصفهان جدا و خود کوره (استان یا شهرستان) مستقلی شد و چون ابتدا مسجد جامع نداشت، ابتدا منبر را موقتاً در مسجد دیگری نهادند، تا سال ۱۸۹ هجری قمری که مسجد جامع ساخته شد (سعیدی‌نیا، ۱۳۶۶: ۱۴۹).

## شکل کالبدی- فضایی شهر شوشتر در دوره انتقالی و سده‌های نخستین اسلامی

در دوره اسلامی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سازمان فضایی شهر شوشتر ساخت مسجد جامع در بیرون از هسته‌ی اولیه شهر بوده است. امروزه نیز مسجد جامع در گوشه جنوب غربی بافت تاریخی شوشتر است و هیچ‌گونه

مسجد جامع قرار دارد از آثار دوره صفوی است (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۱۲۱). با این وجود گزارش مقدسی نکاتی در بر دارد که می‌تواند راه‌گشا باشد از جمله تنها راه ورود به شوشتر پلی در سمت جندی‌شاپور است که به‌روشنی مقصود وی پل شادروان است که امروزه نیز جاده منتهی به دزفول و جندی‌شاپور از این مکان می‌گذرد و ابن بطوطه در قرن هشتم هجری از آن به‌عنوان دروازه دزفول یاد کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۳۷). در این گزارش جامع در میان بازار بزازان است که نشان از قرار داشتن اصناف بر اساس ویژگی‌های شغلی در جایگاه مشخص در بازار است، مانند آن‌چه در بازارهای اسلامی رایج بود که بهترین راسته‌ی بازار که اغلب در بهترین نقطه از نظر دسترسی به جامع، به صنف بزازان تعلق داشت و باقی اصناف نیز به ترتیب اهمیت و نوع کسب در بازار قرار می‌گرفتند، به‌گونه‌ای که هر چقدر از اهمیت صنف کاسته می‌شد، فاصله آن از مسجد جامع بیشتر و گاهی به‌سمت دروازه‌ها کشیده می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۶: ۴۲۱)؛ بنابراین با توجه به آن که تنها راه ورود به شوشتر دروازه شادروان است و معمولاً بازارها در راستای راه‌های وردی اصلی به شهر ساخته می‌شدند (نظریان، ۱۳۸۹: ۹۳)، راستای بازار شوشتر در قرن ۴ ه.ق را می‌توان از مسجد جامع شهر به‌سمت جنوب شهر در راستای پل شادروان دانست. حتی امروزه مسجد جامع از طریق معبری که در تصاویر هوایی به‌خوبی قابل رؤیت است با دروازه شادروان در ارتباط است. در این دوره شهر در جنوب و با فاصله از هسته‌ی اولیه شهر توسعه می‌یابد و اتصال راسته‌ی بازار و مسجد جامع به دروازه شادروان موجب انتظام گروهی ساختار شهری و گسترش شهر در حول این مجموعه گردید (شکل ۶).



شکل ۶- محدوده پیشنهادی شهر اسلامی شوشتر در قرون اولیه اسلامی (نگارندگان)

منابع و شواهد باستان‌شناختی وجود ندارد که نشان از مسکونی بودن حاشیه‌ی جنوبی مسجد جامع دهد و در دوره صفویه است که حاشیه‌ی غربی مسجد از سوی مهاجران قزلباش مسکونی می‌شود (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۹۸). این شیوه از مکان‌گزینی مساجد جامع در شهر ساوه نیز دیده می‌شود، جایی که مسجد جامع در حاشیه‌ی جنوبی شهر قرار دارد (کریمیان و رحیم‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۷). در فقدان منابع مکتوب مسجدی با این ویژگی مکانی می‌توانست به‌عنوان مصلی شوشتر مطرح باشد، بنابراین دور از ذهن نخواهد بود که مسجد که بر اساس دیدگاه حکومتی در منطقه‌ای که ظرفیت توسعه شهری را ندارد ساخته شود. به عبارت دیگر مسجد جامع در ناحیه‌ی جدیدالاحداث شهر ساخته می‌شود، اما در حاشیه جنوبی رض به‌حیات خود ادامه می‌دهد. مهم‌ترین گزارش از سیمای شهری شوشتر را مقدسی در قرن ۴ ه.ق ارائه داده است: «در همه‌ی این سرزمین (خوزستان) خوش‌تر و استوارتر و مهم‌تر از آن شهری نباشد. نهر به دور آن می‌چرخد و نخلستان‌ها و باغ‌ها آن را فراگرفته‌اند. درباره‌ی آن گفته‌اند: بهشتی است که خوکان در آن می‌چرند. بهشت خوزستان است. بازارهایش هموار است. جامعی لطیف دارد. پلی دراز (در سمت جندی‌شاپور با قایق ساخته‌اند) و جزء آن راه ندارد و در آن سوی دیگر اندکی ساختمان هست. جامع در بازار بزازان است، دم دروازه نیز بازار دیگر هست، سرپل گردشگاهی است و گازران در آن جایند» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۱۱).

امروزه جایگاه مسجد جامع و دروازه و پل شادروان در شوشتر قابل شناسایی است، اما جایگاه بازار و راستای آن به‌دلیل آن که آثاری از این بازار در دست نیست مشخص نیست و بازار موجود در شوشتر نیز که با فاصله در غرب

## دلایل توسعه و رونق شهر شوشتر در سده‌های

## نخستین هجری قمری

ساخت مسجد جامع و گزارش مقدسی نشان از رونق شوشتر می‌دهد، اما دلایل این رونق چه می‌تواند باشد؟ یکی از این دلایل رونق کشاورزی در منطقه با شبکه آبیاری ساسانی است؛ زیرا اعراب مسلمان با توجه به اهمیت کشاورزی در اقتصاد، کمتر به تشکیلات کشاورزی آسیب زدند. ابویوسف در کتاب خراج خود، بخشی را به قنات‌ها، چاه‌ها و نهرها اختصاص داده است. او در این فصل می‌نویسد کسانی که زمین‌های مرده را آباد کنند، از مالیات معاف هستند و حق مالکیت آن‌ها را به رسمیت شناخته می‌شود (یحیایی، ۱۳۹۰: ۱۶۵) چنان‌که اصطخری در کتاب مسالک‌الممالک در این باب آورده است: «آب همه به کار گرفته باشند در نی‌شکر و کشتزارها» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۹۰). آن چنان که به تمجید از کشاورزی خوزستان پرداخته است: «هیچ جا از خرما خالی نباشد، میوه و غله فراوان دارد و در همه نواحی نی‌شکر نشانند (همان: ۹۲). از دلایل دیگر می‌تواند رشد صنعت نساجی در شوشتر باشد. ابن حوقل که در سال ۳۵۸ هجری قمری در خوزستان بوده است، درباره صنعت نساجی شوشتر می‌نویسد: «دیبای شوشتر معروف است و آن را به همه نواحی دنیا برند و در زمان حیات سلطان استار کعبه و بیت‌الحرام از دیبای شوشتر بود و برای همه پادشاهان عراق در شوشتر طراز آماده می‌کردند» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۸). اصطخری در مسالک‌الممالک (اصطخری، ۱۳۴۰: ۹۲) و مقدسی در کتاب احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۲۲) نیز به ستایش از دیبای شوشتر پرداخته‌اند و سرانجام این توجه، به مهاجرت برخی از بافندگان دیبای شوشتر به بغداد انجامید و در غرب بغداد محله‌ای به نام تستریون ساخته شد که بافندگان مهاجر شوشتری در آن اسکان داشتند (فریود، ۱۳۹۰: ۵۶ و دیمانند، ۱۳۸۹: ۲۴۵-۲۴۴)، همچنین قرار گرفتن شهر در مسیر راه‌های تجاری می‌توانست در رونق شهر مؤثر باشد؛ چنان‌که اصطخری در مسالک‌الممالک یکی از راه‌هایی را که از پارس به عراق می‌رود از مسیر شوشتر ذکر کرده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۹۴). راه تجاری دیگر استفاده از ظرفیت رودخانه قابل کشتیرانی کارون بود. وجود بنادر عسکر مکرّم، سوق‌الاهواز، سوق‌الاربعا و سوق‌البحر که از مهم‌ترین بنادر رودخانه‌ای خوزستان در دوران اولیه اسلامی تا پایان خلافت عباسی

بودن نشان از رونق این راه آبی دارد (دلفی موسوی، ۱۳۹۵: ۵۵). مهاجرت نیز می‌تواند از دلایل توسعه بافت شهری شوشتر در این عصر باشد. مهدی رهبر که سرپرستی کاوش‌های باستان‌شناسی دستوا را بر عهده داشته است، معتقد است در قرن دوم و سوم هجری با ویران شدن دستوا شهر شوشتر که احتمالاً به صورت شهری کوچک وجود داشته است، جایگزین دستوا شده است (رهبر، ۱۳۸۳: ۱۰)، همچنین برخی دیگر از پژوهشگران رونق شوشتر را با افول و زوال جندی‌شاپور در ارتباط دانسته و معتقد به جابجایی و انتقال بخشی از جمعیت جندی‌شاپور به شوشتر بوده‌اند (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۷۲۲)، اگر چنین نظریه صحیح باشد، شروع زوال جندی‌شاپور را بر اساس گفته مقدسی در اواخر قرن ۴ هجری قمری باید دانست (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۱۰). همه‌ی این عوامل در کنار هم شاید می‌توانسته دلیل استواری بر توجه نهاد حکومت به شوشتر باشد؛ چنان‌که مقدسی در کتاب احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم ضمن اشاره به خوره‌های خوزستان و بیان شهرهای هر یک از این خوره‌ها، درباره شوشتر چنین آورده است: «با همه کوشش، من برای آن شهری نشناخته‌ام و از این رو گفت‌وگو درباره آن را جلو انداختم تا بگویم که این با روش من ناسازگار است؛ زیرا که هر قصبه باید شهرهایی داشته باشد، چنان‌که یک فرمانده باید جند داشته باشد. سرخس خوره نامیده نمی‌شود و به شوشتر خوره می‌گویند و این درجه‌بندی به دست پادشاهان است (همان: ۶۰۷-۶۰۶).

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش چگونگی شکل‌گیری و توسعه شهری شوشتر به‌عنوان نمودی از شهرسازی ایران در دوره انتقال از ساسانی به دوره اسلامی با اتکا بر حداقل شواهد باستان‌شناسی موجود در بافت شهری و منابع مکتوب تاریخی، مطالعه شد؛ بر اساس عمده‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش، هسته‌ی اولیه‌ی بافت شهری شوشتر به احتمال زیاد در دوره ساسانی بنا بر شرایط مساعد زیستی منطقه شکل‌گرفته است. در این زمان احتمالاً هسته‌ی اولیه شهر ساسانی به صورت منفصل از قلعه‌ی سلاسل، در حاشیه‌ی رود گرگر و منطبق بر محلات امروزی عبدالله بانو، گرگر و درب‌عباس قرار داشته است. در قرون بعد

شهر قرار دارد و بازار سده‌های اولیه اسلامی در راستای هسته‌ی اولیه شهر و دروازه شادروان به‌عنوان تنها مدخل ورودی شهر، برپا گشته بود. در این زمان گرچه عناصر اصلی شهری در منطقه نو احداث برپا می‌گردند، اما جهت توسعه بار دیگر در راستای هسته‌ی اولیه شهر، رو به شمال دارد به‌گونه‌ای که مسجد جامع در حاشیه‌ی ربض به حیات خود ادامه داده است.

#### پی‌نوشت

۱- این مقاله از پایان نامه آقای امین احمدی سیاهپوش تحت عنوان مطالعه و بررسی روند شکل‌گیری، توسعه و تحولات شهری شوشتر در دوران اسلامی به راهنمایی دکتر عباسعلی احمدی، برگرفته شده است.

به‌ویژه در قرون نخستین اسلامی، در نتیجه پاره‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همچون تصمیمات نهاد حکومت، رونق تولیدات صنعتی و کشاورزی و مهاجرت، شهر توسعه یافته است؛ چنان که هم‌زمان با ورود مسلمانان، شوشتر شهری مستقل با اقتصادی شکوفا بوده است. در این زمان هسته‌ی اولیه شهر به حیات خود ادامه داده است. در سده‌های اولیه‌ی اسلامی بر طبق سنت شهرسازی اسلامی در اهمیت بخشیدن ربض به نسبت شارستان، مسجد جامع که نشانی از اعتبار و اهمیت شهر است با فاصله از هسته‌ی اولیه شهر، ساخته و بازاری در مجاورت آن شکل می‌گیرد. با این وجود به‌نظر می‌رسد که ربض ظرفیت لازم برای توسعه‌ی شهری را نداشته است؛ چرا که مسجد جامع، امروزه نیز در حاشیه‌ی بافت تاریخی

#### منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۹۶۵، الکامل فی تاریخ، جلد دوم، بیروت، دارصادر.
۲. ابن الفقیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۶، البلدان، محقق: یوسف هادی، بیروت، عالم الکتب.
۳. ابن بلخی، ۱۳۸۵، فارسنامه، تصحیح گای لیسترانج و رینوالد آلن نیکلسون، تهران، اساطیر.
۴. ابن حوقل، ۱۳۶۶، ایران در صورالارض، ترجمه و تصحیح جعفر شعار، تهران، امیرکبیر.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۶۸، العبر تاریخ ابن خلدون، تصحیح عبدالمحمد آیتی، جلد چهارم، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶. ابن ملهب، ۱۳۱۸، مجمل التواریخ و القصص، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران، کلاله خاور.
۷. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، ۱۳۷۰، سفرنامه ابن بطوطه، تصحیح محمدعلی موحد، جلد اول، تهران، سپهر نقش.
۸. ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، ۱۳۴۹، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۹. اسدپور، حمید، فولادی‌پور، فضل‌الله و ولی عرب، مسعود، ۱۳۹۹، «نقش دگرگونی‌های تاریخی ساختار اجتماعی شوشتر در تکامل کالبدی آن»، آفاق علوم انسانی، شماره ۳۶، ۴۵-۷۰.
۱۰. اشرف، احمد، ۱۳۵۳، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره‌ی اسلامی»، دو فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴، ۷-۴۴۹.
۱۱. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، ۱۳۴۰، مسالک الممالک، به‌کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، ۱۳۶۷، مرآةالبلدان، جلد اول؛ تصحیح عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۶۹، نگاهی به خوزستان، تهران، بلور.
۱۴. افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۷۳، خوزستان و تمدن دیرینه‌ی آن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. اقتداری، احمد، ۱۳۷۵، آثار و بناهای تاریخی خوزستان، چاپ دوم، تهران، اشاره.
۱۶. امام اهوازی، سید محمد علی، ۱۳۸۲، تاریخ جغرافیایی دزفول، به‌اهتمام محمدحسین حکمت‌فر، دزفول، دارالمومنین.
۱۷. امام شوشتری، سید محمدعلی، ۱۳۳۱، تاریخ جغرافیایی خوزستان، تهران، امیرکبیر.
۱۸. بدیعی، ربیع، ۱۳۶۲، جغرافیای مفصل ایران، جلد اول؛ تهران، اقبال.
۱۹. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، ۱۳۶۷، فتوح‌البلدان، ترجمه و مقدمه محمد توکل، تهران، نقره.
۲۰. بلعمی، محمد بن محمد، ۱۳۷۸، تاریخنامه طبری، جلد اول و سوم. مصحح محمد روشن، تهران، سروش.

۲۱. بوشارلا، رمی، ۱۳۹۲، «شوش بازار کشاورزی یا منزلگاه بازرگانی عمده شوش و شوشان در دوره امپراتوری‌های بزرگ». شوش و جنوب غربی ایران تاریخ و باستان‌شناسی. زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هایده اقبال، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۲. تقی‌زاده، محمد، ۱۳۷۸، شوشتر در گذر تاریخ: از عهد باستان تا انقلاب اسلامی. ویراستار غلامحسین سعیدیان، چاپ دوم، بی‌جا، دارالکتاب.
۲۳. پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجیبی سناجردی، ۱۳۸۲، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران، سمت.
۲۴. پاتس، دانیل تی.، ۱۳۹۱، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، چاپ چهارم، تهران، سمت.
۲۵. پوپ، آرتور اپهام، ۱۳۸۷، «پارچه‌های دوره ساسانیان»، سیری در هنر ایران، جلد دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۶. پیکولوسگایا، نیناویکتورونا، ۱۳۷۲، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، چاپ دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۷. جانسون، گرگوری، ۱۳۹۰، «نه هزار سال تغییر اجتماعی در غرب ایران»، باستان‌شناسی غرب ایران، زیر نظر فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، چاپ پنجم، تهران، سمت.
۲۸. جزایری شوشتری، سیدعبدالله، ۱۳۸۸، تذکره شوشتر، تصحیح مهدی کدخدای طراحی، اهواز، ترآوا.
۲۹. جعفری، عباس، ۱۳۶۳، شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، تهران، گیتاشناسی.
۳۰. حاتمی، مهرداد، ۱۳۸۹، «مکان‌یابی شهر شوشتر در دوره ساسانیان»، همایش منطقه‌ای بررسی دستاوردهای باستان‌شناسی در استان خوزستان، ۱۱-۱.
۳۱. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، ۱۳۷۵، جغرافیای حافظ ابرو، محقق محمد صادق سجادی، جلد اول، تهران، مرکز پژوهش میراث مکتوب.
۳۲. حبیبی، سید محسن، ۱۳۸۶، از شار تا شهر، چاپ هفتم، تهران، دانشگاه تهران.
۳۳. حسین‌زاده دلیر، کریم و حسن هوشیار، ۱۳۸۵، «دیدگاه‌ها، عوامل و عناصر مؤثر در توسعه فیزیکی شهرهای ایران»، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ششم، ۲۱۳-۲۲۶.
۳۴. حسینی شوشتری، علاءالملک بن نورالله، ۱۳۷۸، فردوس در تاریخ شوشتر، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، چاپ دوم، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۵. خالدیان، ستار، کریمیان، حسن، پوراحمد، احمد و حامد مظاهریان، ۱۳۹۳، «تبیین جایگاه اسلام در روند شهرنشینی و سازمان فضای شهری ایران»، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۷، ۵-۱۸.
۳۶. دلفی موسوی، اکبر، ۱۳۹۵، تاریخ کشتیرانی در کارون، اهواز، ترآوا.
۳۷. رهبر، مهدی، ۱۳۷۳، «کاوش باستان‌شناسی در گلالک شوشتر»، یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی شوش، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۲۵-۲۸.
۳۸. دیولافوا، مادام ژان، ۱۳۷۱، ایران کلدی شوش، ترجمه علی محمد فره‌وشی، چاپ پنجم، تهران، دانشگاه تهران.
۳۹. رهبر، مهدی، ۱۳۸۸، فصل دوم کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه سلاسل، تهران، گزارش منتشر نشده سازمان اسناد و مدارک میراث فرهنگی و گردشگری کشور.
۴۰. زهری، محمد ابن ابی‌بکر، ۱۳۸۲، الجغرافیه، محقق محمد حاج صادق، ترجمه حسین قرچانلو، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۱. سرافراز، علی‌اکبر، ۱۳۴۸، «شهر تاریخی دستووا در شوشتر»، باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۴، ۷۶-۷۹.
۴۲. سرافراز، علی‌اکبر، ۱۳۶۶، «بیشابور»، شهرهای ایران، شهرهای ایران، به‌کوشش محمد یوسف کیانی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، جهاد دانشگاهی.

۴۳. سرفراز، علی‌اکبر و تیموری، محمود، ۱۳۸۶، «سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور»، باغ نظر، ۱۰۲-۹۱.
۴۴. سعیدی‌نیا، احمد، ۱۳۶۶، «قم خاستگاه شهر»، شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، جهاد دانشگاهی.
۴۵. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۶۶، «بازارها»، شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، جهاد دانشگاهی.
۴۶. شوشتری، میرعبدالطیف‌خان، ۱۳۶۳، تحفه العالم و ذیل التحفه، به اهتمام صمد موحد، تهران، کتابخانه طهوری.
۴۷. شوشتری، نورالله بن شرف‌الدین، ۱۳۷۷، مجالس المومنین، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، اسلامیه.
۴۸. شیپمان، کلاووس، ۱۳۸۴، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، نشر و پژوهش فروزان روز.
۴۹. عبادی، عبدالرحمن، ۱۳۸۸، خوزستان در نام‌واژه‌های آن، تهران، آموث.
۵۰. فرید، یدالله، ۱۳۹۰، جغرافیا و شهرنشینی، چاپ هشتم، تبریز، دانشگاه تبریز.
۵۱. فضل‌الله همدانی، رشیدالدین، ۱۳۹۲، جامع التواریخ، مصحح محمد روشن، جلد اول، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۵۲. کاتب بغدادی، قدامه ابن جعفر، ۱۳۷۰، الخراج، ترجمه و تصحیح حسین قرچانلو، تهران، البرز.
۵۳. کروران، مونیک، ۱۳۹۲، نحوه تغییر شهر شوش و اقتصاد آن از عهد ساسانی تا عهد عباسی، شوش و جنوب‌غربی ایران تاریخ و باستان‌شناسی، زیر نظر ژان پرو و ژنویودلفوس، ترجمه هایده اقبال، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۵۴. کریمیان، حسن و ساسان سیدین، ۱۳۸۹، «دارابگرد در انتقال از ساسانیان به دوران اسلامی بر اساس مستندات باستان-شناختی»، باغ نظر، سال هفتم، شماره سیزدهم، ۷۳-۸۸.
۵۵. کریمیان، حسن و مریم رحیم‌نژاد، ۱۳۹۵، «بازبایی ساختار فضایی شهر تاریخی ساوه با اتکای به آثار معماری و شواهد باستان‌شناسانه»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال هفتم، شماره بیست‌وپنجم، ۲۹-۴۲.
۵۶. کریمیان، حسن و مجید منتظر ظهوری، ۱۳۹۳، «اردشیر خوره از شکل‌یابی تا زوال با استناد به متون تاریخی»، دوفصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال چهارم، شماره دوم، ۶۵-۸۳.
۵۷. کریمی، قاسم و درخش، حسن، ۱۳۹۳، «بافت تاریخی شوشتر در دوران اسلامی»، باستان‌شناسی ایران، شماره ۷، ۵۹-۵۲.
۵۸. کیانی، محمد یوسف، ۱۳۷۳، «معماری و شهرسازی ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۲۹، ۳۵۷-۳۶۴.
۵۹. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود، ۱۳۶۳، زین الاخبار، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.
۶۰. لسسترینج، گای، ۱۳۸۳، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چاپ ششم، تهران، علمی و فرهنگی.
۶۱. مارکوارت، یوزف، ۱۳۷۳، ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، اطلاعات.
۶۲. مستوفی، حمدالله ابن ابی‌بکر، ۱۳۸۱، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، قزوین، حدیث امروز.
۶۳. مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر، ۱۳۶۴، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.
۶۴. مسعودی‌نژاد، رضا، ۱۳۹۵، «مطالعه‌ی تطبیقی بازار تجاری و بازار اجتماعی با نگاهی معطوف به بازارهای تجاری دزفول و شوشتر به‌عنوان بازار تجاری»، مجله مطالعات معماری ایران، شماره ۱۰، ۱۰۰-۷۳.
۶۵. مقدسی، محمد بن احمد، ۱۳۸۵، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، کومش.
۶۶. مقدسی، مطهر بن طاهر؛ (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، جلد دوم، آگه، تهران.
۶۷. مقدم، عباس، ۱۳۸۴، بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران.
۶۸. میرفتاح، علی‌اصغر، ۱۳۵۵، «قلعه سلاسل»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره دوم، سال یازدهم، ۸۴-۵۹.
۶۹. نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۸۵، مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران، تهران: سبحان نور.
۷۰. نظریان، اصغر، ۱۳۸۹، پویایی نظام شهری ایران، چاپ دوم، مبتکران، تهران.



۷۱. نیکقدم، نیلوفر، مفیدی شمیرانی، سید مجید و منصوره طاهباز، ۱۳۹۴، «مقایسه تحلیلی پهنه‌بندی اقلیمی مناطق جنوبی ایران با روش کوپن- تراورتا و معیارهای آسایش گیونی». معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۵، ۱۳۰-۱۱۹.
۷۲. ولی عرب، مسعود و علی بحرانی‌پور، ۱۳۹۳، تاریخ شوشتر از ورود اسلام تا پایان حکومت خاندان سادات مرعشی، اهواز، تراواو
۷۳. ونکه، رابرت جی، ۱۳۹۰، «غرب ایران در دوره پارت- ساسانی: تغییر شاهنشاهی»، باستان‌شناسی غرب ایران، زیر نظر فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، چاپ پنجم، تهران، سمت.
۷۴. هوف، دیتریش، ۱۳۶۶، «فیروزآباد»، ترجمه کرامت‌الله افسر، شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، جهاد دانشگاهی.
۷۵. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۹۹۵، معجم‌البلدان، بیروت: دار بیروت.
۷۶. یوسفی، شهرام، ۱۳۸۹، «الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران»، تاریخ ایران، شماره ۶۴/۵، ۱۷۰-۱۴۵.
۷۷. یحیایی، علی، ۱۳۹۰، «آب و آبیاری در عهد آل‌بویه»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۵، ۳۷-۳۱.
78. Adams. R. M., 1962, Agriculture and Urban Life in Early Southwestern Iran. Science, New Series, Vol. 136, No. 3511. (Apr. 13, 1962), 109-122.
79. Harris, Ch. D., and Ullman, E. L., 1957, The Nature of Cities. Cities and Urban Sociology, Edited by Paul K. Hatt and Albert J. Reiss, The free Press, Glenco, Illinois, 237-247.
80. Karimian, H., 2003, "Intentionality and Meaning in the similar layout of Sasanian cities", The 10th Iranian Researcher's Seminar in Europe (IRSE), University of Central England (UCE) in Birmingham.
81. Whitecomb, D., (2003-2004), Iranian Cities of the Sasanian And Early Islamic Periods, [https://oi.uchicago.edu/sites/oi.uchicago.edu/files/uploads/shared/docs/03-04\\_Islamic\\_Iran.pdf](https://oi.uchicago.edu/sites/oi.uchicago.edu/files/uploads/shared/docs/03-04_Islamic_Iran.pdf), 91-94.
82. www.oi.uchicago.edu.

